

پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۸

هزار و سیصد و نود و هشت - تابستان

۷	• مسئولیت کیفری وکیل دادگستری دکتر بیژن حاجی عزیزی - سیده مریم اعتماد
۲۷	• تعارض میان منفعت عمومی جامعه و منفعت فردی دولت‌ها دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد
۴۵	• دسترسی به غذای کافی، به‌عنوان یک حق بشری در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت دکتر نجمه رزمخواه
۶۹	• نقدی بر ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی در باب تکرار جرم آزاده قربانی - آرزو قربانی
۷۹	• پلیس مسئله‌محور و ترس از جرم دکتر سید مهدی سیدزاده‌ثانی - سعید کرمانی
۱۰۷	• تعامل تمامیت ارضی با حقوق و آزادی‌های مشروع از منظر ملی و بین‌المللی دکتر هدیه‌سادات میرترابی - دکتر سبحان طیبی
۱۳۷	• روند کاهش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس حمید شالی
۱۵۹	• تحلیل حقوقی ترابردپذیری شماره تلفن همراه در ایران؛ در پرتو مطالعات تطبیقی سید هاشم ملاح‌حسینی - رجب فلاحی - سارا مرتضی‌قلی
۱۷۷	• آثار شرط سقوط یا کاهش مسئولیت در حقوق ایران با نگاهی به نظام حقوقی انگلستان دکتر حجت مبین - امین امیرحسینی
۱۹۹	• سازکارهای صیانت از حق استفاده از زبان مادری در مراجع بین‌المللی و ملی دکتر سید قاسم زمانی - فرهاد عابدینی سعدآباد
۲۳۱	• اصل مصونیت در برابر خوداتهامی در محاکم کیفری بین‌المللی علیرضا قرقانی





نقدی بر ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی در باب تکرار جرم

آزاده قربانی* - آرزو قربانی**

چکیده:

این تحقیق که با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده به این مسئله می‌پردازد که به‌رغم آنکه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دارای تغییرات و نوآوری‌های بسیاری می‌باشد لیکن نمی‌توان ایراداتی را که بر برخی مواد آن وجود دارد، نادیده گرفت. یکی از این مواد، ماده ۱۳۷ قانون مزبور در باب تکرار جرم در جرایم تعزیری می‌باشد. شاید در بدو امر چنین ایرادی مورد توجه قرار نگیرد اما با تأمل و دقت نظر در آن و رجوع به ماده ۲۵ که مبنای ایراد وارده بر ماده ۱۳۷ باشد می‌توان بیان داشت که عدم‌رفع این ایراد در عمل می‌تواند موجب سرگردانی و تشتت آراء گردد. آنچه نگارندگان در این مقاله به‌دنبال آن هستند بررسی مجازات‌های تعزیری مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم است که چنانچه شخصی از تاریخ قطعی حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم گردد، مشمول قواعد تکرار جرم می‌گردد.

کلیدواژه‌ها:

قانون مجازات اسلامی، جرایم تعزیری، ماده ۱۳۷، تکرار جرم، اعاده حیثیت.

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۸
صفحه ۶۹-۷۸. تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۴/۳۰. تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۰۱

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
Email: a_gh_9999@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
Email: Arezooghorbani2015@gmail.com

مقدمه

تکرار جرم از عوامل عمومی تشدید مجازات است و عبارت است از وضعیت فردی که پس از ارتکاب جرم و محکومیت به صورت قطعی، مجدداً مرتکب جرم دیگری شده است و قانونگذار به دلیل عدم رفع حالت خطرناک بزهکار با اعمال محکومیت نخست، در مرتبه بعد او را مستحق مجازاتی شدیدتر از قبل فرض می‌نماید.

طبق ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی، چنانچه نوع جرم ارتكابی محكوم در جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۶ باشد و از تاریخ قطعیت حکم صادره در جرایم مزبور تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات اقدام به ارتکاب مجدد جرم تعزیری از درجه ۱ تا ۶ نماید، مشمول قواعد تکرار جرم در مجازات‌های تعزیری و تشدید می‌گردد.

۱- بیان مسئله

آنچه در این مقاله مورد بحث می‌باشد بخشی از ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی می‌باشد که در آن زمان قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت که همان، زمان رفع آثار کیفری مجازات تبعی می‌باشد، مورد توجه قرار گرفته است.

وفق ماده فوق‌الذکر در مواردی، قاضی باید مجازات را در صورت وجود کیفیات مشدده، از حداکثر پیش‌بینی شده به وسیله قانونگذار بالا ببرد و یا در واقع حداکثر جدیدی را غیر از آنچه در متن قانون ذکر شده است، تعیین نماید که این مهم، میسر نمی‌گردد مگر با جمع کلیه شرایط مندرج در ماده مربوطه به تکرار جرم که در واقع، این امر زمانی وجهه قانونی به خود می‌گیرد که اولاً، قانونگذار به طور صحیح شرایط شمول قاعده تکرار جرم را مورد لحاظ قرار داده باشد و ثانیاً، محدوده زمانی که برای ارتکاب جرم جدید تعیین گردیده، مورد توجه قرار گیرد. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ برای تکرار جرم، ملاک صدور حکم قطعی بود، ولیکن در قانون جدید همچون قانون مجازات عمومی سابق، در بخشی از ماده، ملاک «اجرای مجازات» می‌باشد و این نکته از «حصول اعاده حیثیت» که به معنای اجرای مجازات و سپس آثار تبعی بار شدن بر آن است، استنباط می‌گردد. بخش دیگر ماده ۱۳۷ که مربوط به شمول مرور زمان اجرای مجازات است و در واقع برای زمانی است که حکم اجرا نگردیده است خارج از بحث می‌باشد که از پرداختن به آن اجتناب می‌گردد.

۲- مقررات تکرار جرم در قانون مجازات عمومی سابق

این مقررات در مواد ۲۴ تا ۲۸ قانون پیش‌بینی شده بود. به موجب ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ کسانی که به موجب حکم قطعی به حبس جنحه‌ای یا جنایی محکوم شده، چنانچه از تاریخ قطعیت حکم تا زمان اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان مرتکب جنحه یا جنایت دیگری می‌شدند، مشمول مقررات تکرار جرم بودند.

برابر صدر ماده ۲۵ همان قانون، اگر مجرم دارای سابقه محکومیت جنایی یا جنحه بود و مرتکب جرم دیگری می‌شد به بیش از حداکثر مجازات جرم جدید محکوم می‌گردید بدون اینکه از یک برابر و نیم حداکثر مزبور تجاوز نماید و باز به موجب قسمت اخیر ماده ۲۵، در صورتی که جرم جدید نظیر یکی از جرایم سابق مجرم، اعم از شروع، مباشرت، شرکت و معاونت در جرم بود مجازات او بیش از حداکثر مجازات جرم جدید بود بدون آنکه از دو برابر حداکثر مذکور تجاوز نماید و بالاخره برابر تبصره ۱ ماده ۲۵ جرایم سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، اختلاس، تدلیس، ارتشاء و جرایم دیگری که از طرف خود قانون در حکم این جرایم تلقی شده باشند، از نظر تکرار جرم نظیر هم محسوب می‌شدند.^۱

باتوجه به تفکیک فوق، یکی از سیستم‌های مورد قبول قانون مجازات عمومی که مورد بحث ما نیز می‌باشد از لحاظ فاصله زمانی است که «تکرار موقت» جرم را پذیرفته بود؛^۲ زیرا به موجب ماده ۲۴ وقتی کسی مشمول مقررات تکرار جرم می‌گردید که با داشتن سابقه محکومیت به موجب حکم قطعی به حبس جنحه‌ای یا جنایی، از تاریخ قطعیت حکم تا زمان اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان مرتکب جنحه یا جنایت دیگری می‌گردید - به عبارت دیگر تشدید مجازات به عنوان تکرار جرم فقط از تاریخ قطعیت تا تاریخ اعاده حیثیت و یا از تاریخ قطعیت تا زمان شمول مرور زمان بود و از این تاریخ به بعد چون در اثر اعاده حیثیت، کلیه آثار تبعی جرم ارتكابی از بین می‌رود و مجرم مانند سایر افراد جامعه بی سابقه تلقی می‌شود مقررات تکرار جرم در مورد او اجرا نمی‌شود.^۳

۱. افراسیابی، حقوق جزای عمومی، ۳۱۱.

۲. اگر فاصله زمانی میان محکومیت قبلی و محکومیت جدید مؤثر باشد یعنی جرم جدید باید در فاصله زمانی معینی رخ دهد تا قواعد تکرار جرم جاری شود، این را سیستم موقتی گویند. نک: زراعت، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش کلیات)، ۳۸۶.

۳. افراسیابی، پیشین، ۳۱۱.

۳- شروط تحقق تکرار جرم

شروط تحقق تکرار جرم در ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی به این شرح آمده است: «هرکس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.»^۴

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این ماده به چندین رکن اساسی اشاره شده است که می‌توان برای هریک اوصاف و قیودی به شرح زیر برشمرد:

نخست، تحقق تکرار جرم منوط به این است که محکومیت سابق قطعی و نیز اجرا شده باشد. به این معنا که حکم محکومیت اعتبار امر مختومه را پیدا کرده و لازم‌الاجرا گردیده باشد. بر احکامی که غیرقطعی و قابل شکایت و تجدیدنظر است از حیث تکرار جرم هیچ اثری بار نیست.^۵ این شرط هرچند در ماده ذکر شده صراحت ندارد ولی با دقت نظر در عبارت «تا

حصول اعاده حیثیت» که حتی زمان بعد از اجرای حکم را در برمی‌گیرد، استنباط می‌شود؛ دوم، حکم محکومیت پیشین، باید ماهیتاً تعزیری باشد^۶ و این از درجه‌بندی آن که مشمول ماده ۱۹ می‌شود نیز مشخص می‌شود؛ بنابراین پیشینه محکومیت به مجازات‌هایی همچون حدود و قصاص در تشدید مجازات جدید مؤثر نیست؛

سوم، اعاده حیثیت به معنای زوال آثار محکومیت کیفری از سجل قضایی است که در تبصره ۲ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده و در سابق نیز در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات سال ۱۳۷۵ بیان شده بود. اعاده حیثیت مورد نظر در مواد مزبور، اعاده حیثیت از نوع قانونی است که پس از گذشتن مهلت‌های قانونی حاصل می‌شود.

چنانچه رأی شماره ۹۵۳۸۱۲۵۱ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۱۶/۰۵/۳۱ نیز مؤید این مطلب است:

«تقاضای اعاده حیثیت امری نیست که برحسب قواعد عمومی قابل طرح در محاکم باشد و در قوانین موجوده هم حکم خاص و مرجعی برای رسیدگی به این تقاضا معین نشده و طبق

۴. کمالان، قانون مجازات اسلامی، ۶۴

۵. طبق شرایط خاص خود می‌تواند مشمول تعدد جرم باشد.

۶. قواعد تشدید مجازات‌های غیرتعزیری هریک در ابواب مربوط به خود در قانون مجازات اسلامی مندرج است.

مستفاد از ماده ۵۷ قانون مجازات عمومی در صورت وجود شروط مقرر در آن ماده اعاده حیثیت از اموری است که به خودی خود و بدون احتیاج به حکم محکمه حاصل می‌شود و محو کردن آثار محکومیت هم از سجل جزایی ظاهراً امر اداری است نه قضایی و موقوف به صدور حکم از محکمه نمی‌باشد.^۷

حال با توجه به مورد ذکر گردیده برای شرح و بیان مسئله به بررسی ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌پردازیم که در آن بیان گردیده است:

محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

الف - هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی؛

ب - سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار؛

پ - دو سال در محکومیت به شلاق حدّی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج.^۸

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی به مدت هفت سال شخص را از پرداختن به موارد مندرج در ماده ۲۶ محروم می‌کند. در بند ب، در محکومیت‌های قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد و نفی بلد و حبس از درجه یک تا چهار، سه سال و در بند پ، محکومیت به شلاق حدّی، قصاص عضو در حالتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر باشد و حبس درجه پنج، به مدت دو سال شخص را از حقوق اجتماعی محروم می‌نماید.

بحث اصلی در این قسمت پیش می‌آید که در ماده مزبور حبس‌های تعزیری درجه یک تا چهار (بند ب) و درجه پنج (بند پ) پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان در مدت‌های مقرر، مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی گردیده و حبس‌های درجه

۷. مشیر، «اعاده حیثیت»، ۷۷.

۸. کمالان، پیشین، ۲۴.

شش، هفت و هشت مشمول مجازات تبعی و محرومیت از حقوق اجتماعی قرار نگرفته است. به‌طور مثال کسی که مرتکب جرم درجه شش می‌شود که مجازات حبس آن برابر با حبس بیش از شش ماه تا دو سال است مشمول محرومیت‌های ماده ۲۵ قرار نمی‌گیرد و این به‌گونه‌ای است که در فصل ششم قانون مجازات ماده ۱۳۷ که در باب تکرار جرم‌های تعزیری می‌باشد مسئله به‌گونه‌ای دیگر بیان شده. همان‌طور که ذکر گردید ماده مزبور مقرر نموده است: «هرکس به‌موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود ...»

پس به‌طور مثال، اگر شخصی به‌موجب حکم قطعی به مجازات درجه شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت که همان، زمان رفع آثار کیفری مجازات تبعی می‌باشد مرتکب جرم تعزیری دیگری از درجه یک تا شش بشود طبق ماده ۱۳۷ قانون مجازات باید به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم شود. ولیکن با دقت نظر می‌توان ایراد فاحشی را در این قسمت بر این ماده وارد ساخت که شخص بر چه مبنایی مشمول قاعده تکرار جرم تعزیری می‌گردد؟ مگر نه اینکه همان‌گونه که بیان گردید جرم تعزیری درجه شش فاقد آثار تبعی می‌باشد و درزمره موارد مصرح ماده ۲۵ بیان نگردیده است، پس چگونه در ماده ۱۳۷ می‌تواند از جمله جرایم قبلی مرتکب محسوب گردد که تا زمان حصول اعاده حیثیت، اگر محکوم، مجدداً مرتکب جرم درجه یک تا شش شد قواعد تکرار جرم و حداکثر تا یک و نیم برابر شدن مجازات را بتوان بر آن جاری ساخت.

اشکال ماده در مقایسه و تعارضی که دو ماده ۲۵ و ۱۳۷ با یکدیگر دارند، مشخص می‌گردد. در ماده ۲۵ محرز می‌شود که مجازات درجه ۶ محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی ندارد پس به‌تبع آن تکرار جرم، درجایی که فرد قبلاً مرتکب جرم تعزیری درجه ۶ گردیده و اکنون نیز مرتکب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ می‌شود، موضوعاً منتفی می‌گردد؛ و چنین شخصی علی‌رغم ماده ۱۳۷ مشمول قواعد تکرار و تشدید مجازات قرار نمی‌گیرد. درواقع، قاضی تا چه زمانی را می‌خواهد ملاک برای اعاده حیثیت متهم در جرم اول، قرار دهد که بتواند طبق آن حکم به تشدید جرم بعدی بدهد؟

شاید از یک‌سو بتوان به این نظریه استناد نمود که در ماده ۱۳۷ به‌طور کلی به مجازات‌های تعزیری درجه ۱ تا ۶ توجه شده که مجازات‌های تعزیری درجه ۱ تا ۶ اعم از حبس، جزای نقدی و ... است پس ملاک موردنظر قانونگذار، سایر موارد مجازات تعزیری به‌غیر از حبس درجه ۶ می‌باشد که در ماده ۲۵ در کنار سایر حبس‌ها بیان نگردیده است،

ولیکن با مذاقه در این موارد، ملاحظه می‌گردد که در ماده ۱۳۷ «مجازات‌های درجه ۶» آورده شده که همان‌گونه که بیان گردید مجازات‌های درجه ۶ به‌طور کلی فاقد آثار تبعی می‌باشد صرف‌نظر از حبس، جزای نقدی و یا هر مجازات دیگر. این می‌تواند ضعف دیگر ماده ۱۳۷ باشد که وقتی در ماده‌ای که آثار تبعی بیان گردیده، فقط حبس‌های درجه ۱ تا ۴ و درجه ۵ تحت شمول قرار گرفته، پس آوردن واژه عام «مجازات‌های تعزیری» در ماده ۱۳۷ که اعم از حبس، جزای نقدی، مصادره اموال و ... می‌باشد امری است که مشکلات را مضاعف می‌نماید؛ مانند آنکه کسی به جزای نقدی درجه ۵ محکوم شده و حکم درمورد او اجرا گردیده سپس به جزای نقدی به هر میزان و درجه‌ای که باشد محکوم شود ولیکن به دلیل آنکه جزای نقدی مجازات تبعی ندارد، مشمول قواعد تکرار جرم نمی‌شود. همان‌طور که بیان گردید ایراد وارده بر ماده ۱۳۷ مسئله‌ای قابل تأمل و دقت است که شاید عدم تصحیح زود هنگام آن، اجرای عدالت را در بسیاری موارد با چالش روبه‌رو سازد.

باتوجه به آنکه نص صریح قانون دارای چنین اشکالی می‌باشد و این نگرانی نیز وجود دارد که تشتت آرای محاکم همان منظوری که قانونگذار اراده کرده است را فراهم نسازد، از این رو به نظر می‌رسد جز با مداخله خود قانونگذار این مشکل حل نگردد.

نتیجه و پیشنهادات

باتوجه به آنچه بیان گردید لازم است که قانونگذار، ابهام مربوط به ماده ۱۳۷ و نیز ۲۵ قانون مجازات اسلامی را که زیربنای این تعارض و اختلاف است برطرف نماید؛ زیرا چنانچه مجازات‌های محکوم «جرایم با مجازات‌های حبس بیش از شش ماه تا دو سال، جزای نقدی بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال، شلاق بیش از ۳۱ تا هفتاد و چهار و تا نود و نه ضربه در جرایم منافی عفت، محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال، انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها، ممنوعیت از فعالیت‌های شغلی و اجتماعی، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه و اصدار برخی اسناد تجاری برای اشخاص حقوقی حداکثر تا پنج سال» باشد محکوم، طبق ماده ۱۳۷، در صورت تکرار یکی از جرم‌های تعزیری درجه یک تا شش، مشمول قواعد فصل ششم یعنی تکرار جرم و تشدید مجازات می‌شود. ولیکن طبق ماده ۲۵ موارد فوق‌الذکر، جزء مواردی نیامده که اگر شخص مرتکب شد، آثار تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی را به همراه داشته باشد. مضافاً آنکه تبصره ۲ ماده ۲۶ که در صدر ماده، حقوق اجتماعی را بیان نموده که شخص محکوم، از آنها در مدت مقرر محروم می‌شود، بیان

داشته که: «هرکس به‌عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت مواعد مقرر در ماده (۲۵) این قانون اعاده حیثیت می‌شود و آثار تبعی محکومیت وی زایل می‌گردد...» این نیز بیانگر همین مطلب است که محکومیت‌های کیفری مندرج در ماده ۲۵ دارای مجازات تبعی هستند و در غیر از این موارد محرومیت از حقوق اجتماعی وجود ندارد. پس همان‌گونه که ذکر گردید مجازات‌های درجه شش، هفت و هشت محرومیت از حقوق اجتماعی ندارند که طبق تبصره ۲ ماده ۲۶ پس از گذشت مواعدی از آنها اعاده حیثیت شود. بلکه این موارد و خصوصاً درجه شش که در ماده ۱۳۷ از آن نام برده شده از ماده مزبور خروج موضوعی دارند و این امر اصلاح مقنن را در ماده ۱۳۷ نیاز دارد.

درواقع، وقتی در ماده ۱۳۷ سخن از مجازات‌های درجه یک تا شش می‌رود یعنی، کلیه مجازات‌های مزبور که طبق درجه‌بندی ماده ۱۹ تقسیم‌بندی شده مدنظر است که با مراجعه به آن متوجه می‌شویم که در همه آنها جزای نقدی و حبس وجود دارد و در برخی دیگر شلاق، انفصال و سایر موارد. ولیکن با دقت در ماده ۲۵ ملاحظه می‌گردد که تنها حبس‌های درجه یک تا پنج را در کنار موارد دیگر، مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی قرار داده است. در بدو امر، عبارت عام «مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش» شاید این ذهنیت را ایجاد کند که با مراجعه به ماده ۱۹ و استناد به درجه مربوطه، مشکل حل می‌شود. به‌طور مثال اگر کسی به شلاق تعزیری از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه محکوم شد (درجه شش) و چند سال بعد مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش شد، مشمول تشدید مجازات می‌شود. ولیکن، در اینجا برای اعمال ماده ۱۳۷ علی‌رغم اینکه در آن، «درجه یک تا شش» را آورده باید به ماده ۲۵ رجوع نمود که شلاق تعزیری درجه شش^۹ فاقد اثر تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی می‌باشد. پس برای اجرای صحیح ماده ۱۳۷ تا قبل از اصلاح مقنن، نباید ابتدا به ماده ۱۹ رجوع کرد بلکه باید ماده ۲۵ را به‌گونه‌ای صحیح، در کنار ماده ۱۹ و ۱۳۷ اجرا نمود. از سوی دیگر باتوجه به اشکالی که در ماده ۱۳۷ وجود دارد راه‌حل آن نیز باید ملهم از منطقی مربوطه با رعایت جمیع جهات مندرج در ماده مزبور و ماده ۲۵ باشد و الاً بر پیچیدگی امر افزوده می‌شود.

۹. این نکته صرف‌نظر از این مطلب است که شلاق‌های تعزیری به هر میزان که باشند و به‌طور کلی فاقد اثر تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی طبق ماده ۲۵ هستند.

شایسته است که ماده ۱۳۷ بدین نحو تغییر یا اصلاح شود: هرکس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری مشمول ماده ۲۵ که دارای آثار تبعی است محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت ... مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری شود به حداکثر تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.

از سوی دیگر می‌توان به ماده ۲۵ اشاره کرد و تغییراتی را در آن ماده برای اینکه مجازات‌های درجه شش را نیز دربرگیرد اضافه نمود که تعارض و اشکال موجود در ماده ۱۳۷ بدین گونه رفع گردد، اما به نظر می‌رسد به منظور اغماض نسبت به محکومین و جلوگیری از افراط در تدوین قوانین سخت‌گیرانه، بهتر باشد که مجازات‌های درجه شش خارج از ماده مزبور باشند.

فهرست منابع

- افراسیابی، محمداسماعیل. حقوق جزای عمومی. ویرایش اول. جلد دوم. تهران: فردوسی، ۱۳۷۷.
- زراعت، عباس. شرح قانون مجازات اسلامی. ویرایش اول. تهران: فقتوس، ۱۳۷۹.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.
- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲.
- کمالان، مهدی. قانون مجازات اسلامی. ویرایش دوم. تهران: برازش، ۱۳۹۲.
- مشیر، سیّد مرتضی. «اعاده حیثیت». مجله کانون وکلا ۱۹ (۱۰۴) (۱۳۴۶): ۸۱-۷۶.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVIII, No. 2

2019-2

- **Attorney's Criminal Liability**
Dr. Bizhan Hajiazizi - Seyyedeh Maryam Etemad
- **Conflict between Public Interests of the Community and the Individual Interest of the States**
Dr. Hoorieh Hosseini Akbarnezhad
- **Access to Sufficient Food as a Human Right in the Legal System of World Trade Organization**
Dr. Najmeh Razmkhah
- **A Criticism of Article 137 of Islamic Criminal Law regarding Crime Recidivism**
Azadeh Ghorbani - Arezoo Ghorbani
- **The Problem-Oriented Policing and Fear of Crime**
Dr. Seyyed Mahdi Seyyedzadeh Sani - Saeed Kermani
- **The Interaction of Territorial Integrity with Rights and Legitimate Freedoms under Domestic and International Law**
Dr. Hedieh Sadat Mirtorabi - Dr. Sobhan Tayebi
- **Reduction Process of Capital of Corporation in Iran and UK Laws**
Hamid Shali
- **Legal Analysis of Mobile Number Portability in Iran, in the Light of Comparative Studies**
Seyyed Hashem Maddah Hosseini - Rajab Fallahi - Sara Mortezaigholi
- **Effects of the Disclaimer or Limitation of Liability Clauses in Iranian Law with a Review in the English Legal System**
Dr. Hojjat Mobayen - Amin Amirhosseini
- **The Mechanisms for Protecting the Right to Use the Mother Tongue in International and National Institutions**
Dr. Seyyed Ghasem Zamani - Farhad Abedini Saadabad
- **The Privilege against Self-Incrimination in International Courts**
Alireza Gharaghani

